



عکس اختصاصی خراسان

سید خلیل سجادیپور info@khorasannews.com

مردی که همسر ۲۱ ساله اش را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده و سپس با دستان خون آلود شاهرگ خود را زده بود، از جنایت در کشاکش طلاق رابه مجاری سوءظن خیانت آلود گره زد.

به گزارش روزنامه خراسان، عقر به های ساعت از ۲۰ شب سه شنبه گذشته بودند که صدای ننگ تلفن قاضی ویژه قتل عمدمشهد، خبر جنایتی هولناک در خیابان زینبیهون را فریاد زد.
طولی نکشید که خش خش بی سیم های پلیس نیز در فضای کلانتری مصلی پیچیدو انتقال پیکر نیمه جان مرد۲۸ ساله خون آلودبه بیمارستان شهید هاشمی نژاد، ماموران انتظامی رابه تکاپو انداخت.
دقایقی بعدقاضی دکتر صادق صفری به همراه گروهی کارآموده از افسران اداره جنایی پلیس آگاهی مشهد، عازم منزل ۵۰ متری (محل وقوع جنایت) شدند.
دستگیره در ورودی ساختمان شکسته بودو حوضچه های کوچکی از خون بر کف سرامیک های سفید، حکایت از جنایتی تکان دهنده داشت.
کمی آن سوتر جسد زن جوان روی زمین قرار داشت که آثار متعدد

چاقو بر نقاط پیکروی خودنمایی می کرد.
شیراب پلاستیکی درون حمام شکسته وبر کف سرامیکی آن افتاده بود.
لکه های خونی که روی درودیوار و لوازم منزل وجودداشت در حالی از یک درگیری خونبار روایت می کرد که بررسی های میدانی نشان دادضربه ای با جسم سخت نیز بر سوزن جوان فرودآمده است وخون های این زوج درهم آمیخته اند.

گزارش روزنامه خراسان حاکی



**سید خلیل سجادیپور**:
نزد جوانی که گوشی تلفن عابران ورهگذران را در چشم برهم زدنی می ربود، در حالی به چنگ قانون افتاد که چند شهرودنودوظیفه شناس اورا محاصر کرده بودند.
به گزارش روزنامه خراسان، ماموران گشت کلانتری آیکوه که در حال اجرای طرح های ویژه مقابله باسرت بودند، هنگام انجام وظیفه در بولوار ولیعصر (عج) چندشهروندرا مشاهده کردند که بافریادهای دد! دد! در تعقیب جوانی بودند که پاپای پیاده در حال فرار بود.
طولی

نکشید که عوامل ورزیده انتظامی در مسیر فرار جوان سارق قرار گرفتندو اورا در حالی دستگیر کردند که نتوانست از محاصره شهروندان وظیفه شناس بگریزد.
دقایقی بعدمتهم ۳۰ ساله به همراهودستگاه گوشی تلفن همراه کشف شده به مقر انتظامی انتقال یافت وبا دستورویژه سرهنگ روح... لطفی (رئیس کلانتری آیکوه) در دایره تجسس مورد بازجویی های فنی قرار گرفت.
این سارق جوان که ابتدا مدعی بودشهروندان دچار اشتباه شده اندو ا قصد سرت نداشته است،

### تحقیقات قضایی راز همسرکشی را فاش کرد

# جنایت هولناک درکشاکش طلاق!

است:
جست وجوها برای یافتن آلت قتاله (چاقو) نیز خیلی زود به نتیجه رسیدو کاردی باتیغه شکسته پشت بخاری کشف شد.
همچنین چاقوی میوه خوری بادسته سبز رنگ نیز کنار جسد قرار داشت، برای انجام آزمایش های تخصصی جمع آوری شد.

ساعتی بعد با دستور مقام قضایی، جسد زن ۲۱ ساله در حالی به پزشکی قانونی انتقال یافت که همه ابعادو زوایای گوناگون این جنایت تکان دهنده مورد واکاوی قرار گرفت و سپس قاضی ویژه قتل عمد برای بررسی وضعیت متهم به قتل (همسر مقتول) عازم بیمارستان شهید هاشمی نژادشد.
در حالی که قاضی شعبه ۲۵۵ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد تاپاسی از شب منتظر اقدامات در مانی و نتایج آن بود بالاخره متهم هوشیاری خود را باز یافت و روی تخت بیمارستان به قاضی دکتر صفری گفت:
۴ سال قبل از دواج کردم اما با همسر م اختلاف داشتم و

کشاکش طلاق بودیم. اگر چه من سوءظنی خیانت آمیز به او داشتم ولی هیچ مدرکی برای اثبات ادعایم ندارم. از حدودظهر یابیکدیگر جرو بحث می کردیم تااین که سرش به شیراب درون حمام خورد. قصد داشتم سرش را زیر آب بگیرم تا بیدار شود! او امروز حرف هایی زد که دیگر نتوانستم تحمل کنم! من اعتیاد ندارم و اهل چیزی نیستم حتی قرص و دارو هم مصرف نکرده بودم. خون هایی که روی زمین ریخته به خاطر آن است که من خودزنی کردم. فرزند خردسالم را منزل مادرم گذاشته بودم و قصد داشتم خودم را هم بکشم! به همین دلیل در اتاق را قفل کردم و به برادر م گفتم با اورژانس تماس بگیرد! چرا که درون منزل فقط من و همسر م بودیم اما نیروهای اورژانس مرا به بیمارستان رساندند!

«امیرحسین -ل-» (متهم به همسرکشی) که به هوشیاری کامل به سوالات

## باندسرق ت «پدر خوانده» متلاشی شد

های مذکور آغاز کردند.
آنان در اولین مرحله از تحقیقات پلیسی به سرنخ هایی رسیدند که نشان می داد مردی میان سال به همراه پسری جوان در سرت های منازل و مغازه نقش دارند.
چندروز بعد کارآگاهان بابهره گیری از فناوری های نوین و هوشمند موفق شدند مرد میان سال را شناسایی کنند که ۷ فقره سابقه کیفری داشت.
این مرد در بازجویی ها، دو عضو دیگر باند سرتق را لو داد که دامادو دخترش بودند.
با این اطلاعات، بلافاصله کارآگاهان عروس و داماد جوان را نیز در عملیاتی ضربتی به دام انداختند و مخفیگاه آنان را مورد بازرسی قرار دادند.
در نتیجه این بازرسی، اموال سرقتی

**سید خلیل سجادیپور**:
مرد سابقه دار معروف به «پدر خوانده» که با همدستی دختر و دامادش، سرت های خشن در مشهد انجام می دادند در حالی به هوشیاری کارآگاهان پلیس آگاهی دستگیر شدند که تاکنون ۱۷ تن از مال باختگان اموال سرقتی خود را بین کشفیات پلیس از این باند خانوادگی شناسایی کرده اند.
به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، به دنبال وقوع چندین فقره سرتق از منازل و مغازه هادر مشهد، گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی با دستورهای ویژه سرهنگ محمد چراغ (فرمانده انتظامی مشهد) رصد های اطلاعاتی گسترده ای را برای دستگیری عاملان سرتق

وقتی با اسناد انکار ناپذیر پلیس روبه روشد به ناچار لب به اعتراف کشودو گوشی قاچی از عابران را پذیرفت. او گفت:
دو گوشی گران قیمت را ساعتی قبل در منطقه بولوار سجادر بوده و به بولوار ولیعصر (عج) آمده است.
بنابر گزارش روزنامه خراسان، در پی اعترافات این گوشی قاب حرفه ای، تلاش نیروهای تجسس برای شناسایی مال باختگان و همچنین بازرسی مخفیگاه وی در حالی آغاز شد که پلیس احتمال می دهد این متهم ۳۰ ساله سرت های بیشتری انجام داده باشد.



قاضی ویژه قتل عمد پاسخ می دادر حالی از انجام آزمایش «الکل» سر باز می زد که بررسی های پزشکی از وجود الکل در خون وی حکایت داشت.
در همین حال یکی از نزدیکان جوان مجروح (متهم) به مقام قضایی گفت: «امیر» به رفتار های همسرش مشکوک شده بود و سوءظن خیانت اورا از آری می داد چرا که همسرش مدعی بود خواستگار سابقش را دوست دارد و می خواهد با او از دواج کند! در این شرایط اوایل شب بود که فریاد می زد به اورژانس زنگ بزنید ولی در ورودی را قفل کرده بودو باز نمی کرد که به همین دلیل قفل در را شکستیم! البته فکر کنم او مشروب هم مصرف کرده بود!

بنابر گزارش روزنامه خراسان، تحقیقات میدانی مقام قضایی در حالی تا پاسی از شب ادامه یافت که نظر تخصصی پزشکان قانونی، زوایای پنهان دیگری از این جنایت تکان دهنده را فاش خواهد کرد.
از سوی دیگر بررسی های کارآگاهان پلیس آگاهی بادستورهای محرمانه قاضی صفری برای ریشه یابی ادعاهای متهم به قتل همچنان ادامه دارد.

عکس ها اختصاصی خراسان



#### در امتداد تاریکی

## جیغ تباهی در تونل سیاه!

تازه وار دروز های زیبای نوجوانی شده بودم که مادرم در یک حادثه ناگهانی از دنیارفت و غم سنگینی برزندگی شیرین ما سایه افکند.
بامرگ مادرم گویی طوفان سهمگینی وزیدن گرفت ومسیر زندگی مراتعیر داد.
اوزن مهربانی بود که حتی به اقتصاد خانواده کمک می کرد و در واقع پناهگاه مستحکمی بود که پدرم نیز به او تکیه داشت.
در این شرایط با آن که پدرم بخشی از وجودش را از دست داده و قلیش شکسته بود، اما خودش را وقف فرزندانش کرد و حتی به فکر ازدواج مجدد هم نیفتاد.
حالا او برای ما جای مادر را پر کرده بود تا این که من به سن جوانی رسیدم و همه خواهران و برادرانم نیز از دواج کر دند و به دنبال سرنوشت خودشان رفتند.
در همین روز های اوج هیجانات جوانی قرار داشتم و در جست وجوی محبت های مادرانه بودم که احساس کردم فاصله ای بین من و پدرم وجود دارد. او برای تامین مخارج زندگی تلاش می کرد و با مشکلات گوناگونی درگیر بود ولی من در دنیایی پر از تناقض های فکری و عاطفی زندگی می کردم و تصور این بود که هیچ کس به من اهمیتی نمی دهد و خیلی تنها هستم!

در همین روز ها بود که گروهی از دوستان جدید اطرافم را گرفتند.
حالا وارد دنیای دیگری شده بودم.
یک دنیای هیجانی که پر از تفریح بی خیالی بود.
کسی سرنشم نمی کرد و دوست داشتم هر چیزی را بدون مزاحمت دیگران تجربه کنم!
محبت پوشالی را در کلمات و جملات زبانی جست وجومی کردم.
واز این که مرا «داداش فدایی داری» و... صدامی زدند خیلی خوشحال بودم.
خلاصه در دنیای دیگری سیری می کردم تا این که روزی «حسن» بهترین رفیق زندگی ام شد.
او حرف های محبت آمیز زیادی می زد و با تعریف از من هر روز بیشتر در قلمب جامی گرفت.
او در حالی که مدعی بود «هر چیزی را یابیدیک بار امتحان کنی!» مقداری مواد مخدر (شیره تریاک) را روی سنجا ق زد و بساط مصرف را در فضای کوچک خانه اجاره اش پهن کرد.
مقاومت من فایده ای نداشت چرا که حس کنجکاوی نیز وجودم را فرا گرفته بود.
بالاخره تریدید را کنار گذاشتم و برای اولین بار به جمله «فقط یک بار!» اعتماد کردم.

ساعتی بعد گویی لذت و سرخوشی خاصی داشتم و به چیزی جز احساس آرامش نمی اندیشیدم اما نمی دانستم که این ماجرا سر آغاز بدبختی و

روزی های فلاکت بارم است.
در واقع من همان طعمه ای بودم که دوستم بر

کلاب زندگی زد و به درون تونل سیاهی فرستاد که لذت روزگار را لشکار کند

ولی من طعمه درندگان وحشی شدم و تنها صدای جیغ تباهی در تونل سیاه

تکرار می شد.
خیلی زود به مواد مخدر اعتیاد پیدا کردم تاوری که دیگر هیچ

چیزی برابم اهمیت نداشت.
با آن که با دختری مهربان و زیبارو از دواج کرده

بودم ولی انگار او هم در زندگی ام نبود.
حالا حتی از مادرم نیز یادمی کردم و

تنها به فکر تامین مواد مخدر بودم.
در همین حال بهای مواد مخدر سنتی هم

افزایش پیدا کرد و من باز هم به توصیه دوستانم به مصرف مواد مخدر صنعتی

از نوع شیشه و کراک روی آوردم.

دیگر زندگی من پر از «هیچ» شده بود و در جاده یک طرفه «توهم» حرکت

می کردم.
طولی نکشید که از کارگاه کوچک محل کارم نیز اخراج شدم

و از صبح تا شب فقط در پی تهیه پولی برای خرید مواد بودم.
نگرانی پدر

و اطرافیانم را نمی دیدم و در دنیای تاریک به دنبال روزه نای می گشتم تا

سرخوشی های زجرآور را تماشا کنم!
در این وضعیت یک روز وقتی همسر م

گفت که می خواهد از من طلاق بگیر د ا حتی معنی جمله اش را نفهمیدم!

در کوچه و خیابان ها سرگردان بودم و تنها دغدغه ام جمع کردن ضایعات

بیشتری بود تا بتوانم خماری را شکست بدهم!
حتی مسیر خانه ام را گم

کرده بودم و نمی دانستم زن جوانی هم به انتظارم نیستسته است!
دو سال بود

که هیچ کس از من خبری نداشت و من فقط شب ها در کوچه ها ظاهر می

شدم تا از میان زاله های مردم، مقداری پلاستیک و نان خشک برای فروش

پیدا کنم تا این که بالاخره یک شب، دست بند های سرد پلیس را بر دستانم

احساس کردم و این تنها واقعیتی بود که افکار مرا از «تونل سیاه» بیرون کشید

اما ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است:
وقتی قصه زندگی این مرد

۳۸ ساله به پایان رسید ناگهان زنی مهربان در میان چارچوب اتاق مشاور و

مدکار اجتماعی کلانتری ایستاد و با جملاتی عاشقانه گفت:
این مرد هنوز

در قلب من جای دارد به شرط آن که...

دقایقی بعد با راهنمایی و دستورهای ویژه سرگرد احسان سبکبار (رئیس

کلانتری شغای مشهد) اقدامات قانونی و روانشناختی برای رهایی این جوان

از تونل سیاه مواد افیونی آغاز شد تا شاید با تو لدی دوباره زندگی دیگری

را تجربه کند.

**بر اساس ماجراهای واقعی در زیرپوست شهر**

دادستان زند کرمان

### برخورد قاطع با ضارب معلم؛ فرد خاطی بازداشت شد

**توکلی** - دادستان عمومی و انقلاب شهرستان

زند با تاکید بر برخورد قاطع دستگاه قضایی با هرگونه تعرض به معلمان، از بازداشت فردی که اقدام به ضرب و شتم یک معلم در کلاس درس یعقوبی با محکوم کردن این اقدام، اظهار کرد: متأسفانه در روزهایی که به نام بزرگداشت مقام معلم مزین شده است، پدیده‌ای که با دانش‌آموزان به دنبال گلابه‌فرزندش در مدرسه حاضر و با رفتاری ناپسند اقدام به ضرب و شتم معلم با مشت و لگد کرد. وی افزود: با دستور فوری دادستانی، فرد ضارب بلافاصله شناسایی و در محل بازداشت شد. وی ادامه داد: خوشبختانه با توجه به گزارش دریافتی و مصاحبه با فرد صدمه دیده، شدت صدمات وارده به معلم گرامی قابل توجه نبوده است، اما این موضوع به هیچ وجه از شدت برخورد قانونی با مرتکب نخواهد کاست و بدیهی است که هرگونه خشونت علیه فرهنگیان، به‌ویژه در محیط مقدس مدرسه، قابل قبول نبوده و باواکنش جدی دستگاه قضایی مواجه خواهد شد.



مشاهده تمامی آگهی های

خراسان بزرگ

www.khorasannews.com

۰۲۱-۳۳۳۳۳۳۳۳

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۳۹۷/۵۵۰۵۵۰۳۰۶/۱۴۰۳ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک، نیشابور، تصرفات مالکانه بااعراض متقاضی آقای محمدرضا مسکنی فرزند فتح اله در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۰/۵۳۰۴ متر مربع از پلاک شماره ۱۶۳ اصلی واقع در بخش ۵ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک، رسمی آقای محمدصادق عین آبیاری محرز شده است. مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه یکی روزنامه مدلی و دیگری در روزنامه گزیر انتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم کنند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف، ۶۳۴/۱۴۰۴/۰۲/۱۸ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

**مجتبی لطفی پور – رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور**

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره های ۱۳۹۷/۵۵۰۵۵۰۳۰۶/۱۴۰۳ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک، نیشابور، تصرفات مالکانه بااعراض متقاضی آقای محسن شهریارپور فرزند عزیز اله در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۷۲۸/۳۸ متر مربع از پلاک شماره ۳۲ اصلی واقع در بخش ۵ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از محل مالکیت شخصی متقاضی محرز شده است. مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه یکی روزنامه مدلی و دیگری در روزنامه گزیر انتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم کنند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف، ۶۳۶/۱۴۰۴/۰۲/۰۳ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

**مجتبی لطفی پور – رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور**

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره های ۱۳۹۷/۵۵۰۵۵۰۳۰۶/۱۴۰۳ هیئت دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک، نیشابور، تصرفات مالکانه بااعراض متقاضی آقای محمدرضا مسکنی فرزند فتح اله در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۰/۵۳۰۴ متر مربع از پلاک شماره ۱۶۳ اصلی واقع در بخش ۵ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک، رسمی آقای محمدابراهیم جعفری فرزند رضاشاهی محرز شده است. مراتب به منظور اطلاع عموم در دو روزنامه یکی روزنامه مدلی و دیگری در روزنامه گزیر انتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم کنند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف، ۶۳۶/۱۴۰۴/۰۲/۱۸ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

**مجتبی لطفی پور – رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور**

**مصرفه جویی در زمان**

**سفرارش آنلاین آگهی در روزنامه خراسان**

**برداخت کلان**

**www.37010.ir**

**خراسان**